

بررسی لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۹/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۶

دکتر عاطفه عباسی کلیمانی^۱

چکیده

لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با هدف حمایت از افراد زیر ۱۸ سال و پیشگیری از جرایم ارتكابی علیه ایشان در دستور کار دولت قرار گرفت. این لایحه، افراد مشمول حمایت را افراد زیر ۱۸ سال اما اعم از کودکان بزه‌دیده، در معرض خطر و بزهکاری دانست که در معرض بزه‌دیدگی هستند. حمایت‌های مندرج در لایحه مشتمل بر ابعاد ذیل است:

- ۱- حمایت کیفری از طریق جرم‌انگاری جرایم علیه حقوق مادی و معنوی طفل، مانند حق بر آموزش، ارتكاب اعمال منافی عفت علیه طفل، معامله طفل و بهره‌کشی از وی، جرایم علیه تمامیت جسمانی، ازدواج با صغار و امتناع از اعلام جرم به مقامات، علاوه بر عناوین مجرمانه‌ای است که در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین دارای سابقه قانونگذاری کیفری می‌باشند.
- ۲- بعد دیگر حمایت‌های لایحه مشتمل بر تخصیص شعبی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، تعیین طرق شروع به رسیدگی و امکان اعلام جرم توسط طفل، تعیین مبادی اعمال مرور زمان نسبت به جرایم این لایحه، غیر قابل گذشت بودن جرایم مزبور و ... می‌باشد.
- ۳- پیش‌بینی وضعیت مخاطره‌آمیز ناشی از اعمال والدین، سرپرستان طفل، سایر افراد مرتبط با وی و نیز خود طفل از نوآوری‌های این لایحه می‌باشد.
- ۴- در نهایت تشکیل دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان جهت معرفی کودکان و نوجوانان در معرض خطر به نهاد ذیربط، مداخله فوری جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی یا افزایش آسیب وارده، از دیگر مندرجات این لایحه است.

کلید واژگان: حقوق کودک، سن مسئولیت کیفری، کودک بزه‌دیده

Email: atefehabbasi@gmail.com

^۱ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه تهران

<http://www.lri.ir>

معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی

مقدمه

توانمندسازی کودکان جهت بر عهده گرفتن نقش‌های مختلف در زندگی اجتماعی، مستلزم محافظت از ایشان در برابر مخاطرات است. تعمق در نظام حقوقی ایران مبین آن است که برخی از مصادیق حقوق کودک از جمله حق مصونیت از آزارهای روانی و بدنی، حق دفاع در فرایند عدالت کیفری، حق بر هویت، استقلال و آزادی اظهار نظر، برخورداری از فرصت مناسب برای رشد، آموزش و پرورش و منابع ضروری آن و فرصت کامل برای بازی و تفریح در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره واقع شده‌اند.

وجود برخی کاستی‌ها در حوزه‌های مختلف حقوق کودک، مسئولان امر را بر آن داشت تا با تدوین قانونی جامع در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان ضمن بازشناسی حقوق این افراد، ضمانت اجرای کیفری مناسبی در قبال ناقضان این حقوق پیش بینی نموده و در عین حال با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و حمایتی، از ارتکاب جرم علیه ایشان جلوگیری نمایند. این نوشتار به ارائه گزارشی از مندرجات لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان اختصاص دارد. لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان که از این پس لایحه نامیده می‌شود، جهت تصویب از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال گردیده است. شایان ذکر است جهت ارائه پلانی مناسب از وضعیت نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران تلاش شده به قوانین و مقرراتی نیز که پیش از این در حوزه حقوق کودک به تصویب رسیده و این لایحه به تکمیل آنها می‌پردازد اشاره گردد.

۱. افراد مورد حمایت

احکام حقوقی و نیز تدابیر حمایتی این لایحه شامل کلیه افراد زیر ۱۸ سال اعم از اطفال بی سرپرست، ناشی از روابط نامشروع و اطفال بزهکاری که بزه‌دیده باشند، می‌گردد.

توضیح آن که فرزند نامشروع وفق برخی قوانین از جمله ماده ۸۸۴ قانون مدنی (ق.م) و نیز ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ (ق.آ.د.ع.ا.ک.) از حق توارث، امکان ادای شهادت و اشتغال به برخی مشاغل مانند قضاوت که دارای شرط طهارت مولد است، محروم می‌گردد. وی به والدین طبیعی خود منتسب نیست و تنها نسبت به طرفی که آگاه از فقدان رابطه زوجیت نبوده یا مجبور به رابطه شده، مشروع به حساب می‌آید. اما از آنجا که وفق رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۷۶، پدر طبیعی کودک نامشروع مکلف به انجام کلیه تکالیف پدر قانونی برای وی می‌باشد، در

خصوصاً سایر حقوق مدنی کودک نامشروع با توجه به عدم درج محرومیت وی از این حقوق در قوانین فعلی، باید اصل را بر بهره مندی کودک مزبور از آن حقوق و از جمله لزوم سرپرستی و نگهداری کودک دانست و همین امر در مورد شمول احکام این لایحه در خصوص وی نیز جاری است. همچنین با توجه به آن که ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی (ق.م.ا.) و نیز تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م. با استناد به منابع فقهی سن بلوغ در پسران را پانزده و دختران نه سال تمام قمری تعیین نموده لذا بزهکاران زیر سن ۱۸ سال که به بلوغ شرعی رسیده باشند تا حدی از حمایت‌های این قانون بهره می‌برند که با مسئولیت کیفری ایشان در تعارض نباشد.

۲. اعمال مجرمانه علیه کودکان و نوجوانان

حمایت کیفری از کودک در برابر اشکال مختلف خشونت جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوء استفاده، بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استثمار را می‌توان در مواد مختلف کنوانسیون حقوق کودک از جمله مواد ۱۹، ۶ و ۳۳ تا ۳۶ مشاهده نمود. حمایت‌های مذکور در دو قالب حمایت از کودکان از طریق اعمال برنامه‌های اجتماعی مناسب و نیز حمایت در برابر اشکال مختلف محدودیت و تعرض به کودک و پیگیری قضایی آنها صورت می‌پذیرد. لایحه، ضمن احصای اعمال مجرمانه علیه اطفال، مجازات هر یک را تعیین نموده است.

۲-۱. جرایم علیه حق بر آموزش

جلوگیری از ادامه تحصیل طفل مجرمانه‌ای است که پیش از این در ماده ۴ قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۴ سابقه تقنینی داشته و طی آن مادر یا پدر یا سرپرست قانونی که با وجود استطاعت مالی از تحصیل طفل زیر ۱۸ سال جلوگیری می‌کرد، برای بار اول به جزای نقدی ۱۰ هزار ریال تا ۲۰۰ هزار ریال و الزام به ادامه تحصیل و در بار دوم به حبس جنحه ای از ۱ تا ۳ سال محکوم می‌شد. بازنگری در مجازات مرتکب این جرم و تغییر آن به جزای نقدی از ۱۰ میلیون تا ۵۰ میلیون ریال در بار اول و حبس از ۹۱ روز تا یک سال در بار دوم از نکات مثبت ماده ۷ این لایحه می‌باشد. شایان ذکر است در مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک علاوه بر لزوم استفاده برابر از آموزش و پرورش توسط کودکان، اجباری و رایگان بودن دوره ابتدایی و برابری امکانات دوره عالی برای تمامی افراد تأکید شده است. در نظام حقوقی ایران نیز این امر در اصل سیم قانون اساسی تصریح شده و در قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی (۱۳۶۹)، اساسنامه سازمان آموزش و پرورش استثنایی (۱۳۷۰)، قانون تأسیس مدارس غیر انتفاعی (۱۳۶۷) و اصلاحیه آن، سیاستهای سوادآموزی (۱۳۸۵)، طرح اجرایی سوادآموزی (۱۳۶۶)، اساسنامه طرح شاهد (۱۳۶۹) به همراه اصلاحات مربوط، اساسنامه سازمان دانش‌آموزی جمهوری

اسلامی ایران (۱۳۷۸) و ماده واحده ایجاد شرایط تسهیل زمینه‌های ادامه تحصیل دانش آموزان و دانشجویان افغانی و عراقی مقیم ایران (۱۳۸۸) مورد توجه واقع گردیده است.

۲-۲. جرایم منافی عفت علیه طفل

طبق ماده ۱۰ لایحه، ارتکاب اعمال منافی عفت با طفل هرگاه موجب حد نشود منجر به حبس از یک تا سه سال می‌گردد. در صورت ورود صدمه جسمانی و روانی به طفل علاوه بر پرداخت دیه مرتکب به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود. همچنین ماده ۱۱ لایحه به جرم‌انگاری جرایم مرتبط با امور فحشا پرداخته و تهیه و تکثیر و فراهم نمودن مضامین هرزه‌نگاری را نام برده است. سوء استفاده جنسی از کودکان موضوع ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان بوده و در جمهوری اسلامی ایران علاوه بر بند ۴ اصل چهل و سوم و جزء ج بند ۶ اصل دوم قانون اساسی، در مواد ۸۲ تا ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۲۱ تا ۱۲۶، ۱۳۸، ۶۲۱، ۶۳۹، ۶۴۰ و ۷۱۳ ق.م.ا.، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند (۱۳۸۶) و قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست (۱۳۵۳) جرم‌انگاری شده است.

۲-۳. معامله طفل و بهره‌کشی از وی

خرید، فروش و معامله طفل طبق ماده ۱۲ لایحه قابل مجازات و در صورت اثبات قصد مرتکب مبنی بر استفاده از وی در زمینه فحشا، با تشدید مجازات همراه است. انتقال و خرید و فروش اعضا و جوارح اطفال برابر ماده ۱۳ لایحه جرم بوده و تنها استثنا آن قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی است که مرگ مغزی ایشان مسلم است، اما تجدیدنظر در این ماده با عنایت به اعلام مغایرت شرعی این قانون طبق نامه شماره ۷/۹۲۱/۷۶۶ مورخ ۱۳۷۹/۶/۶ شورای نگهبان، ضروری است. همچنین بهره‌کشی از کودک و نوجوان به هر منظور برابر ماده ۱۲ لایحه جرم می‌باشد. بدیهی است با توجه به عبارت "به هر منظور"، عمل مزبور دارای مفهومی اعم از تکدی‌گری (موضوع ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی) است و هر نوع به‌کارگیری متعارض با سلامت جسمی و روانی طفل را در بر می‌گیرد. شایان ذکر است باید در تفسیر این مواد به احکام قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ نیز توجه نمود.

۲-۴. جرایم علیه تمامیت جسمانی طفل

در خصوص جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیات وفق ماده ۲۳ لایحه قواعد مندرج در قانون مجازات اسلامی اعمال می‌گردد.

اولین حقی که کودک در زمان تولد و حتی پیشتر در دوره جنینی، از آن بهره مند می‌گردند و در ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک به آن تصریح گردیده، حق زندگی است که ضمانت اجرای این حق ذاتی در حقوق ایران در مواد ۴۸۷ به بعد و ۶۲۲ الی ۶۲۴ ق.م.ا. در قالب مجازات سقط جنین ذکر شده است.

قانون مجازات اسلامی با تأکید بر ضرورت حمایت از حیات کودک، اعمالی مانند قتل، ایراد ضرب و جرح و... علیه وی را حسب مورد مستوجب پرداخت دیه یا اجرای قصاص نموده است و هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی به آنان شود را قابل تعقیب دانسته است.

جنایات غیر عمدی ناشی از تقصیر جزایی والدین، سرپرستان و کلیه کسانی که در ارتباط با طفل هستند، اعم از قتل یا صدمات وارد بر جسم طفل، مطابق ماده ۹ لایحه قابل تعزیر است.

۲-۵. معاونت در ارتکاب جرم و انحراف توسط طفل

معاونت در ارتکاب جرایم توسط اطفال، در ماده ۱۸ جرم‌انگاری شده که بر اساس آن در جرایم تعزیری یا بازدارنده معاون به عنوان مرتکب اصلی مجازات شده و در جرایم حدی غیر سالب حیات، قصاص عضو و جرح به یک تا سه سال حبس و در جرایم مستوجب قطع عضو، حبس ابد یا سلب حیات به دو تا پنج سال حبس محکوم می‌شود.

تحریک طفل به فرار از مدرسه، ترک خانواده و یا تسهیل و فراهم کردن موجبات این امور یعنی تحریک وی به انحراف طبق ماده ۸ قابل تعقیب است. معاونت در خودکشی نیز طفل با توجه به نتیجه حاصله مطابق ماده ۱۴ قابل مجازات است.

۲-۶. ازدواج با صغار

ازدواج با طفل برخلاف قواعد ماده ۱۰۴۱ و ۱۰۴۳ جرم بوده و علاوه بر زوج یا حسب مورد زوجه؛ خواستگار، عاقد، والدین، اولیا و سرپرستان قانونی طفل نیز قابل مجازاتند. البته به نظر می‌رسد با توجه به آنکه خواستگاری ایجاد علقه زوجیت نمی‌نماید، تبصره ماده ۱۵ لایحه در این مورد نیازمند اصلاح است.

۲-۷. امتناع از اعلان جرم به مقامات

در ماده ۱۶ لایحه یکی از مصادیق ترک فعل، یعنی امتناع از اطلاع مأموران از وضعیت طفل در معرض خطر، جرم‌انگاری گردیده که البته این امر منوط به رعایت ضابطه نبودن خطر جانی برای مدافع است.

هرگاه مرتکب حسب وظیفه مکلف به اعلام گزارش وضعیت مزبور بوده با وجود آن که خطری وی یا سایرین را تهدید نمی کند از انجام وظیفه خودداری نماید به یک سال حبس و یا پانزده میلیون ریال جزای نقدی و حسب مورد انفصال موقت از خدمات دولتی یا محرومیت از خدمات عمومی از شش ماه تا دو سال محکوم می گردد.

۲-۸ افشای اسرار کودکان و نوجوانان

اقدامات واحدهای حمایت، وکلا، مشاورین، مددکاران اجتماعی و نهادهای مرتبط با کودکان و نوجوانان موضوع این قانون جز در موارد قانونی، نباید منجر به افشای اسرار کودک و نوجوان شود. ضمانت اجرای این امر، حبس مرتکب از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده تا صد میلیون ریال وفق ماده ۱۷ لایحه می باشد. در ماده ۶۴۸ ق.م.ا. نیز افرادی که به اقتضای شغل خود با اسرار زندگی مردم در ارتباطند از افشای اسرار شغلی منع شده اند.

۲-۹. جرایم موضوع سایر قوانین

علاوه بر موارد صدر الذکر، ماده ۵۹۶ ق.م.ا. در خصوص سوء استفاده از ضعف نفس محجورین، ماده ۶۲۱ ق.م.ا. در خصوص آدم ربایی، ماده ۶۳۱ ق.م.ا. در خصوص دزدی و مخفی کردن طفل تازه متولد شده یا سپردن وی به فردی غیر از مادر، ماده ۶۳۲ ق.م.ا. در خصوص امتناع از سپردن طفل، ماده ۶۳۳ ق.م.ا. در خصوص رها کردن طفل در محیط خالی از سکنه، ماده ۶۳۹ ق.م.ا. در خصوص استفاده از طفل در فساد و فحشا، ماده ۶۴۰ ق.م.ا. در خصوص تهیه گراور و نقاشی و... از طفل، ماده ۶۴۲ ق.م.ا. در خصوص ترک انفاق و در نهایت ماده ۷۱۳ ق.م.ا. در خصوص استفاده از طفل در تکدی گری و... در قانون مجازات اسلامی و نیز تخلفات مربوط به ثبت ولادت در قانون تخلفات، جرایم و مجازات های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه (۱۳۷۰) و ... قابل ذکر است.

۲-۱۰. کیفیات مشدده مجازات

در صورت ارتکاب این جرایم توسط افراد دارای سمت قیمومت، وصایت و سرپرستی طفل، همچنین در صورتی که مجنی علیه دارای سن زیر ۱۲ سال یا دارای ناتوانی ذهنی و جسمی باشد و در صورت ارتکاب جرم به صورت سازمان یافته و شبکه ای با پیش از سه عضو، مرتکب مطابق ماده ۲۱ لایحه به اشد مجازات محکوم می گردد. ارتکاب جرم از سوی کارکنان دستگاه های اجرایی و یا سازمان ها و نهادهای عمومی غیر دولتی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و یا تربیت کودکان و نوجوانان را دارند و نیز ارتکاب جرم از سوی مؤسسات، شرکت ها، انجمن ها و... وفق مواد ۱۹ و ۲۰ لایحه از مصادیق تشدید مجازات خواهد بود.

۲-۱۱. مجازات اشخاص حقوقی

در صورت ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی، مدیرعامل یا اشخاص دستوردهنده، به مجازات مندرج در این قانون محکوم و شرکت وفق ماده ۲۰ لایحه تعطیل خواهد شد یا حکم به ابطال دائم یا موقت پروانه شخص حقوقی صادر می‌شود. شایان ذکر است واژه ابطال در خصوص توقف موقت فعالیت‌های شرکت صحیح نیست و بهتر است از اصطلاح تعطیلی موقت یا تعلیق پروانه شخص حقوقی استفاده شود.

۳. آیین دادرسی ویژه جرایم علیه کودکان و نوجوانان

ماده ۲۴ لایحه، رییس قوه قضاییه را مجاز به اختصاص شعبی از دادرها، دادگاه‌های کیفری و خانواده برای بررسی پرونده‌های موضوع این قانون نموده است. البته این حکم تکرار بند الف ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۸، ماده ۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ می‌باشد که امکان اختصاص شعبی از دادگاه‌ها را برای رسیدگی به برخی جرایم پیش‌بینی نموده و اختصاصی بودن این شعب را مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها ندانسته است. با توجه به ماده ۱۹ لایحه، این جرایم دارای جنبه عمومی بوده و بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب لکن جزء جرایم قابل گذشت نسبی می‌باشند و در صورت گذشت شاکی، به تشخیص مقام قضایی تعقیب موقوف می‌شود. در ماده ۲۶ لایحه در خصوص جهات شروع به تعقیب یا اتخاذ تدابیر حمایتی، ضمن تکرار موارد مندرج در مواد ۲۱، ۶۵ تا ۶۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری یعنی شکایت شاکی، اعلام و اخبار قضات و ضابطین دادگستری، اظهار و اقرار متهم، اعلام اشخاص حقیقی و حقوقی (چنانچه توأم با قراین معقول و متعارف باشد) و مشهود بودن جرم علیه کودک و نوجوان، برای اولین بار امکان شروع به عملیات تعقیب یا اتخاذ تدابیر حمایتی با تقاضای کودک و نوجوان در صورتی که دارای قراین معقول و متعارف باشد، پیش‌بینی شده است.

ماده ۴۳ لایحه، مبدأ مرور زمان جرایم اطفال را پس از رسیدن ایشان به سن ۱۸ سال تعیین نموده که باید با توجه به ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری و نظرات شورای نگهبان که تنها مرور زمان را به جرایم بازدارنده منحصر کرده‌اند، تفسیر شود.

ماده ۴۷ لایحه سایر ترتیبات رسیدگی به جرایم موضوع این قانون را مطابق مقررات عمومی دانسته که با توجه به آنچه پیش‌روست بسیاری از این مقررات سابقه تقنینی دارد. منع بازداشت غیرقانونی، حفظ شأن انسانی، حق اعتراض به تصمیم دادگاه، بهره‌مندی از دادگاه مستقل و

بی طرف و نیز دادرسی فوری و به دور از اطاله، اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، اصل برائت، بهره مندی از حضور و کیل و مترجم در طول دادرسی، تفهیم اتهام و عدم اجبار متهم به ادای شهادت علیه خود و... از مهمترین حقوق دفاعی متهم است که در اصل ۳۴ قانون اساسی (ق.ا.) برای تمامی افراد به رسمیت شناخته شده و ضمانت اجرای تخلف از این اصل که منجر به سلب حقوق اساسی فرد شود، از طریق دادگستری شایسته و استقلال قضایی در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی تضمین گردیده است. احضار یا جلب متهم به وسیله احضارنامه یا برگه جلب (ماده ۲۴ ق.آ.د.د.ع.ا.ک)، منع تعقیب و توقیف خودسرانه، اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها (اصول ۳۸ و ۱۶۹ ق.ا.)، احترام به کرامت ذاتی افراد (اصل ۳۹ ق.ا.)، حق سکوت، حق تفهیم اتهام، حق همراهی توسط وکیل دادگستری (اصل ۳۵ ق.ا.) و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعاوی (۱۳۷۰)، اعطای فرصت کافی برای دفاع، بهره مندی از اصل برائت (اصل ۳۷ ق.ا.)، منع شکنجه (اصل ۱۳۸ ق.ا.)، منع مداخله خودسرانه در مسکن، زندگی خصوصی، مراسلات و... (ماده ۵۸۲ ق.م.ا.)، صدور قرار تأمین متناسب با اتهام و وضعیت متهم، تفکیک مقام تحقیق از مقام دادرسی، دادرسی فوری و بدون تأخیر ناموجه (قسمت سوم اصل ۳۲ ق.ا.)، دادگاه قانونی (اصل ۱۵۶ و اصل ۱۶۶ ق.ا.)، برگزاری علنی جلسه دادرسی (اصل ۱۶۵ ق.ا.)، بهره مندی از قاعده منع تعقیب مجدد، حق جبران خسارت و اعاده حیثیت در صورت برائت متهم از اتهام (اصل ۱۷۱ ق.ا.) از جمله حقوق متهمان است. در مورد کودکان، علاوه بر این موارد، مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ ق.آ.د.د.ع.ا.ک و تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب نیز به ذکر برخی حقوق خاص کودکان در جریان دادرسی پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به رسیدگی به جرایم افراد زیر ۱۸ سال در شعب خاصی از دادگاهها، الزام به حضور ولی کودک در زمان محاکمه، انجام تحقیقات توسط رئیس دادگاه، بهره مندی از نظر خبرگان در خصوص مسائل اطفال، صدور یکی از قرارهای تأمینی مانند التزام ولی یا سرپرست قانونی کودک یا شخص دیگری به حاضر کردن کودک، سپردن وثیقه توسط ولی یا سرپرست کودک یا شخص دیگری و نگهداری کودک در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت و همچنین عدم برگزاری علنی محاکمه کودک اشاره نمود. گفتنی است این احکام در خصوص افراد غیربالغ جاری است و افراد بالغ زیر ۱۸ سال وفق تبصره ماده ۲۲۰ ق.آ.د.د.ع.ا.ک مطابق قوانین عمومی در دادگاه کودکان محاکمه می‌گردند. شایان ذکر است با توجه به بررسی پیش‌نویس آیین دادرسی کیفری در مجلس شورای اسلامی، ایجاد هماهنگی و اجتناب از همپوشانی مواد این دو لایحه با یکدیگر الزامی است. برای نمونه می‌توان به قرار تعلیق

تعقیب اشاره نمود که در ماده ۳۸ لایحه دارای همان آثار و شرایط مندرج در لایحه آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

۴. وضعیت مخاطره آمیز و اتخاذ تدابیر حمایتی

ذکر اتخاذ تدابیر حمایتی در مواد متعدد این لایحه از قبیل بیان مصادیق وضعیت مخاطره آمیز در ماده ۳، تشکیلات و ساختار مداخله مقام قضایی در صورت تحقق این وضعیت در فصل دوم، تعیین ضمانت اجرای کیفری جهت مجازات افرادی که طفل را در وضعیت مزبور قرار می‌دهند در فصل سوم و نیز نحوه شروع به اتخاذ تدابیر حمایتی در فصل چهارم لایحه، نشان از توجه نویسندگان این متن به بحث پیشگیری از ارتکاب جرم یا جلوگیری از تکرار یا تشدید نتایج حاصل از آن دارد. وضعیت مخاطره آمیز شامل نقض حقوق مادی و معنوی طفل می‌گردد، لذا نقض حقوقی چون حق هویت (حق نامگذاری، تابعیت و نسب)، حق آموزش و پرورش و تربیت، حق آزادی عقیده و اندیشه و حق بر تمامیت جسمی و روانی نیز توسط این قانون مورد حمایت قرار می‌گیرد.

۴-۱. اقسام وضعیت مخاطره آمیز

وفق ماده ۳ لایحه، وضعیت مورد بحث که منجر به اتخاذ تدابیر حمایتی می‌گردد شامل دو قسم اعمال است: اول اعمال والدین یا سرپرستان قانونی طفل که وضعیت مخاطره آمیزی را برای طفل فراهم می‌آورد و دوم اعمال خود طفل که وی را در چنین وضعیتی قرار می‌دهد. اعمال والدین یا سرپرستان قانونی طفل شامل تقصیر والدین و سایر سرپرستان قانونی نسبت به کودکان و نوجوانان، محرومیت از تحصیل و فراهم نشدن امکانات آن، ابتلای هر یک از والدین یا سرپرستان قانونی به اختلالات رفتاری و روانی و شخصیتی یا بیماری‌های جسمانی واگیردار و صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی و زندانی شدن ایشان، ارتکاب جرایمی مانند اعتیاد به مواد مخدر، مشروبات الکلی، داروهای روانگردان، قمار، فساد اخلاقی و قوادی و اعمال خشونت نسبت به طفل یا دیگر اعضای خانواده از سوی والدین، عدم ثبت واقعه ولادت یا اخذ شناسنامه و بهره‌کشی و سوء رفتار نسبت به طفل، طرد شدن کودک و نوجوان از سوی والدین و نیز متارکه‌ای که منجر به این امر شود و در نهایت بی سرپرستی طفل می‌باشد. اعمال ارتكابی طفل که وی را در معرض خطر قرار می‌دهد شامل اعتیاد طفل به مواد مخدر و روان گردان، مشروبات الکلی و ارتكاب جرایم تکدی‌گری و قاچاق توسط وی، همچنین ترک خانه، فرار از مدرسه، ترک تحصیل و... می‌شود. توجه مقنن در تعیین این اعمال معطوف به وصف اعتیادی آنهاست که البته در این موارد اطفال دارای بلوغ شرعی قابل مجازاتند.

۴-۲. اتخاذ تدابیر حمایتی

پس از تحقق وضعیت مخاطره آمیز علیه کودک یا نوجوان طی فرایند زیر تدابیر حمایتی اتخاذ می‌گردد: بر اساس ماده ۲۸ لایحه در مرحله نخست ضابطین که دارای آموزش خاص در زمینه حقوق اطفال می‌باشند باید از والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی یا سایر اشخاص مرتبط با کودک و نوجوان و در صورت لزوم خود طفل دعوت به عمل آورده و با همراهی مددکار اجتماعی به محل سکونت، اشتغال و تحصیل وی مراجعه نموده و عنداللزوم تدابیر لازم در جهت پیشگیری از وقوع جرم را اتخاذ کرده و نتیجه اقدامات را به اطلاع دادستان برسانند. به هر رو در این اقدامات باید همان گونه که در مواد ۷ و ۹ کنوانسیون حقوق کودک هم اشاره شده، اولویت با اقداماتی باشد که منجر به جدایی طفل از خانواده نگردد. مددکاران اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت دادگستری به منظور انجام تحقیقات و اقدامات موضوع این قانون، حق ورود به محل زندگی و کار افراد را جز با اجازه متصرف قانونی و دستور مقام قضایی ندارند. استثنا این امر عدم دسترسی به قاضی در خصوص اقدامات حمایتی موضوع ماده ۳۶ این لایحه است که باید در گزارش تنظیمی ادله توجیه کننده ضرورت ذکر گردد. در صورتی که خطری شدید و قریب‌الوقوع، طفل را تهدید نماید، امکان نگهداری وی در مراکز مربوطه از قبیل نهادهای دولتی مسئول نگهداری طفل و نوجوان، واحدهای شبانه‌روزی، مراکز مداخله در بحران و مراکز بازپروری و توانبخشی سازمان بهزیستی خواهد بود و گزارش این اقدامات باید ظرف ۱۲ ساعت به اطلاع دادستان برسد.

امکان صدور دستور خروج دائم طفل از محل خطر در موارد بزه‌دیدگی یا خطر شدید نسبت به وی توسط دادستان وجود دارد. دادستان مکلف است علاوه بر صدور کیفرخواست، گزارشی از وضعیت طفل به دادگاه ارائه نماید تا به سلب صلاحیت حضانت، قیمومت، ولایت، سرپرستی، عزل ولی قهری، ممنوعیت ملاقات، سپردن موقت و دائم طفل به خانواده جایگزین یا مؤسسات اجتماعی و سازمان بهزیستی اقدام شود. حتی مختومه شدن پرونده در مرحله دادسرا مانع از اجرای این وظایف مندرج در ماده ۳۲ لایحه نیست. در خصوص سپردن طفل به خانواده جایگزین توجه به قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۵۲ و قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱ الزامی است. باید توجه نمود که با توجه به سیستم قانونی ایران، خانواده جایگزین (به دیگر سخن فرزندخواندگی) پذیرفته نشده و صرفاً در قالب واگذاری سرپرستی طفل موضوع قابل بررسی است. توضیح آن که فرزندخواندگی رابطه حقوقی است که به دلیل پذیرفته شدن کودکی به عنوان فرزند، از جانب زن و مرد به وجود می‌آید بدون اینکه پذیرندگان کودک دارای رابطه خونی و طبیعی با وی باشند. هر چند در دین اسلام، رسیدگی به ایتمام و کودکان بی سرپرست مورد عنایت خاص شارع بوده لکن

فرزندخواندگی منشأ آثار حقوقی نمی‌باشد. در قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست (مصوب ۱۳۵۳) شرایط کودکانی که به سرپرستی داده می‌شوند، شرایط متقاضیان از جمله مسلمان بودن، حسن شهرت، نداشتن فرزند، داشتن آگاهی نسبی، دارا بودن حداقل ۲۵ و حداکثر ۵۰ سال سن، سپری شدن حداقل ۵ سال از زندگی مشترک، داشتن شغل مناسب، سپردن تعهد محضری و متعاقب آن تخصیص بخشی از دارایی به کودک و نیز شرایط قطع سرپرستی کودک پیش بینی گردیده است. البته اقلیت‌های دینی رسمی در ایران وفق ماده ۱۳ قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بند ۳ قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم (مصوب ۱۳۱۲)، تابع قواعد دین خود در خصوص فرزندخواندگی بوده و در خصوص اتباع بیگانه ساکن ایران می‌باید با توجه به قواعد ناظر بر حل تعارض قوانین عمل نمود.

معرفی کودک و نوجوان یا خانواده او به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی مسئول یا فعال در زمینه مساعدت به افراد و خانواده‌های بی بضاعت، سلب حق ملاقات از والدین و سرپرست قانونی، حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت و سرپرستی، سپردن موقت یا دائم کودک و نوجوان به سازمان بهزیستی یا مراکز مربوط و سپردن سرپرستی کودک و نوجوان طبق مقررات مربوط به سرپرستی کودکان فاقد سرپرست از جمله اقداماتی است که دادگاه رسیدگی کننده به جرایم موضوع این لایحه ضمن صدور حکم محکومیت جهت حمایت از طفل اتخاذ می‌نماید.

شایان ذکر است در بندهای ۴۳ و ۴۶ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص حق و مسئولیت حضانت فرزند و لزوم برخورداری از حمایت مالی پدر و حق ملاقات با فرزند در صورت انقضا یا اسقاط دوران حضانت و مسئولیت مدنی و کیفری پدر و مادر در قبال کوتاهی از محافظت کودک و مسئولیت والدین در مورد ممانعت از بهره‌مندی فرزندان از ملاقات با آنان پیش بینی شده است که باید در تنظیم سایر قوانین و مقررات کیفری و مدنی مورد توجه قرار گیرد. تأکید بر نگهداری از کودک در محیط خانواده و نزد پدر و مادر جز در زمان فوت ایشان یا تحقق یکی از شرایط مندرج در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی در موارد سوء رفتار والدین، یکی از مهمترین اهداف نظام حقوقی ایران بوده است. بر این اساس، در صورت عدم مواظبت و نیز انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که کودک تحت حضانت اوست و به خطر افتادن صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی کودک، دادگاه می‌تواند وفق ماده اخیرالذکر به تقاضای خویشان، قیم کودک یا دادستان تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

همچنین در اصول ۲۱ و ۳۹ و نیز ۳، ۳۰ و ۴۳ قانون اساسی به مسأله کودکان بی سرپرست در قالب حضانت فرزند و حمایت از کودک بی سرپرست، اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته با رعایت غبطه کودک، برخورداری از تأمین اجتماعی در صورت بی سرپرستی و...

اشاره گردیده است و سازمان بهزیستی وفق ماده واحده قانونی راجع به تشکیل این سازمان (۱۳۵۹)، متولی امور کودکان بی سرپرست در ایران می‌باشد. به موجب بند ۴ ماده ۲ قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست (مصوب ۱۳۶۲)، کودک بی سرپرست به کودک اطلاق می‌شود که بنا به هر علت و به طور دائم یا موقت سرپرست خود را از دست داده باشد. علاوه بر این، مواد ۱ و ۴ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۸۳) و ماده ۱ آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی (مصوب ۱۳۸۴) بدون اشاره به فرزندخواندگی، به موضوع نگهداری از کودکان بی سرپرست پرداخته‌اند.

در نهایت آن که در هر حال باید از مواجهه پلیس قضایی و ضابطین دادگستری با طفل اجتناب گردد و در راستای اهداف این قانون به تربیت ضابطینی مبادرت گردد که دارای صبغه مددکاری اجتماعی به همراه آموزش‌های لازم برای اجرای وظایف ضابطین دادگستری باشند.

۵. ساختار تشکیلاتی حمایت از کودکان و نوجوانان

ساختار لازم برای حمایت از کودکان و نوجوانان در این لایحه، دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان در قوه قضاییه می‌باشد که به منظور ایجاد زمینه‌های همکاری با سایر نهادها، تهیه گزارش‌های موردی و ادواری، انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی، پایش و ارزشیابی فعالیت‌های دفاتر استانی و شهرستانی در خصوص اجرای این قانون در قوه قضاییه تشکیل می‌شود. واحدی از این دفتر در حوزه قضایی هر استان و تحت نظر رییس کل آن حوزه تشکیل و مستقر می‌شود.

معرفی کودکان و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده به نهادهای ذیربط، مداخله فوری در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی یا آسیب بیشتر ایشان، ارائه خدمات و معاضدت حقوقی و مددکاری، تشکیل پرونده وضعیت فردی و اجتماعی طفل، ارائه گزارش و درخواست اتخاذ تصمیم در مراجع قضایی، نظارت بر اجرای آراء و تصمیمات مشمولین این قانون، در تشکیلاتی با تشخیص رییس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستان تحت نظر دادستان ایجاد می‌شود.

سازمان بهزیستی به عنوان متکفل اصلی حمایت از این افراد مکلف به مشارکت با کلیه نهادهای دولتی و غیر دولتی مرتبط گردیده تا نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش، جمع‌آوری، ثبت آمار و اطلاعات، تشخیص آسیب، نگهداری و توانمندسازی و... کودکان و نوجوانان موضوع این قانون اقدام نماید. بی شک در این راستا گسترش سطح همکاری این سازمان با نهادهای غیردولتی ضروری است. نیروی انتظامی وظیفه شناسایی کودکان و نوجوانان در وضعیت مخاطره آمیز در موارد مراجعه یا معرفی آنان به نیروی انتظامی یا مواجه شدن با آنان در حین اجرای وظیفه و یا شکایت از آنان را دارد تا حسب مورد برای معرفی ایشان به سازمان بهزیستی یا

مراجع قضایی، برقراری امنیت آنان در مراحل اجرایی و انجام حمایت‌های مورد نیاز بر اساس قوانین مربوط و این لایحه و نیز اعمال اقدامات قانونی مورد تقاضای مددکاران اجتماعی در اجرای این لایحه و اخذ و جمع آوری اطلاعات مربوط به وضعیت‌های مخاطره آمیز برای کودکان و نوجوانان و گزارش دهی جرایم علیه آنان و نیز برای افزایش آگاهی‌های مردم در این زمینه اقدام نماید. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیز ضمن همکاری با سازمان بهزیستی کشور، کودکان و نوجوانانی را که پدر یا مادر یا سرپرست قانونی آنان در زندان به سر می‌برند را در صورت درخواست والدین یا سرپرست قانونی به سازمان مزبور معرفی می‌نماید تا برابر مقررات این قانون کودک و نوجوان نیازمند را مورد حمایت قرار دهد و نیز کودکان و نوجوانانی که در کانون‌های اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند را به سازمان بهزیستی کشور معرفی و نسبت به تشخیص آسیب، اقدامات حمایتی اولیه و مراقبت پس از خروج ایشان توسط تیم تخصصی اقدام می‌کند. همچنین وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و کار و امور اجتماعی نیز حسب وظایف و اختیارات قانونی خود مکلف به همکاری با سازمان بهزیستی می‌باشند.

نتیجه

با توجه به آسیب پذیری افراد زیر ۱۸ سال تدوین مقرراتی خاص در جهت حمایت از حقوق ایشان در جامعه، ضروری است. این لایحه با هدف حمایت از افراد مزبور تنظیم گردیده و تا حدودی قادر به رفع نیازهای موجود می‌باشد. از جمله آن که با پیش بینی غالب جرایم ارتكابی علیه اطفال و نیز وضعیت مخاطره آمیز علیه ایشان، توانسته بیشتر مصادیق تعرض به حقوق اطفال را در حوزه‌های مختلف حقوق جسمی، روانی، مادی و معنوی پوشش دهد. لکن در تعیین افراد تحت شمول قانون باید دقت بیشتری می‌نمود. هرچند وفق این لایحه کلیه افراد زیر ۱۸ سال اعم از بزهدیده، در معرض خطر و بزهدیده سابقه بزهدیدگی، مشمول این لایحه می‌شوند لکن باید توجه نمود که افراد بزهدکار در نظام حقوقی ایران در صورت رسیدن به سن بلوغ، دارای مسئولیت کیفری تام بوده و در دادگاه‌های اطفال که شعبی از دادگاه‌های عمومی هستند وفق مقررات عمومی آیین دادرسی محاکمه می‌شوند لذا از مزایای حمایتی این لایحه بی بهره خواهند بود.

همچنین با توجه به طرح همزمان این لایحه و لایحه مجازات اسلامی مناسب است نسبت به تنقیح قوانین کیفری حمایتی از طفل در قالب یک متن جامع اقدام گردد تا از سرگردانی قضات در میان انبوهی از قوانین بکاهد. در حوزه آیین دادرسی کیفری نیز باید به دو حوزه توجه نمود: نخست جرایم ارتكابی علیه طفل که مشمول مقررات فصل چهارم این لایحه شده

و دارای نقاط اشتراک فراوانی با لایحه آیین دادرسی در حوزه تعلیق تعقیب و .. بوده و ضروری است جهت عدم تکرار مفاد آن نسبت به ادغام آنها در یک متن اقدام گردد. دوم در خصوص جرایم ارتكابی طفل که بر اساس قوانین موجود در شعبی از دادگاه عمومی و نه دادگاه اختصاصی اطفال رسیدگی می‌شوند، با توجه به این که یکی از حقوق اطفال، بهره مندی از دادرسی منصفانه بوده و یکی از امور بدیهی دادرسی نیز بهره مندی از حق دفاع متناسب با سن می‌باشد و تنها دادگاه اختصاصی اطفال می‌تواند این مهم را برآورده سازد، مقتضی است با توجه به طرح موضوع حمایت از اطفال، در خصوص تشکیل دادگاههای ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مطابق با اصول مسلم آیین دادرسی اطفال خصوصاً مندرجات کنوانسیون حقوق کودک نیز اقدام گردد.

معاونت تحقیقات،
آموزش و حقوق شهروندی